

سیاست فیلم اتحادیه اروپا:

بین هنر و تجارت^۱

نویسنده: آنا هرولد^۱

ترجمه: دکتر علی صباغیان^۱

چکیده

بازار داخلی اروپایی بخش سینما را در بر گرفته است. با وجود این، فیلم به مثابه یک رسانه فرهنگی، به آسانی خود را در معرض روندهای یکسان‌ساز که در فرایند ادغام اقتصادی ذاتی است قرار نمی‌دهد. به نظر می‌رسد مابین اقدامات ملی و تلاش‌هایی که به منظور به‌وجود آوردن بازار مشترک اروپایی برای کالاها و خدمات سمعی و بصری انجام می‌گیرد، تناقضی وجود دارد. این وضعیت با افزودن ماده 151 به نظام حقوقی اتحادیه اروپا در پیمان ماستریخت، که حمایت از ارزش‌های فرهنگی را یکی از وظایف اساسنامه‌ای اتحادیه اروپا ذکر می‌کند، پیچیده‌تر شده است. وقتی به توسعه سیاست فیلم اروپایی می‌نگریم تضاد ذاتی این دو موضوع به شدت آشکار می‌شود. دستور کار این سیاست اهداف دوگانه‌ای را به‌وجود می‌آورد که به آسانی آشتی‌پذیر نیستند. با رویارویی اقدامات سیاست رقابتی اروپایی مؤثر بر بخش فیلم و ملاحظات سیاست فرهنگی ملی، این تنش افقی تشدید شده است. هدف این مقاله بررسی دو سطح تنش در چارچوب سیاست فیلم اتحادیه اروپا بر مبنای اسناد و رویه‌های کمیسیون اروپا و دستیابی به نتایجی برای پایداری آینده است.

کلیدواژه‌ها

سیاست سمعی و بصری، تنوع فرهنگی، سینمای اروپایی، صنعت فیلم اتحادیه اروپا، کمک دولتی.

^۱ . EU Film policy: between Art and Commerce

^۱ . Anna Herold

«به هر حال سینما یک صنعت است» (آندره مالرو)

مقدمه

برداشت عمومی این است که صنعت سمعی و بصری اروپایی معاصر، به ویژه سینما، از ضعف ساختاری رنج می‌برد و زیر سلطه آثار غیراروپایی به ویژه آمریکایی قرار دارد. از منظر فرهنگی و اقتصادی تعجبی ندارد که موضوع رقابتی بودن این بخش توجه زیادی را به خود در سطح اتحادیه اروپا جذب می‌کند و به یکی از نگرانی‌های مهم سیاست سمعی و بصری اتحادیه اروپا¹ تبدیل شده است. از اوایل دهه 1980، اتحادیه اروپا در چارچوب این سیاست محصولات سمعی و بصری را به مثابه ابزارهای خلق فضای جدید هویت، که باید با فضای سیاسی و اقتصادی اتحادیه منطبق شود، به تصویر کشیده است. اقدامات اتحادیه اروپا در عرصه سینما متنوع است و از برنامه‌های حمایت مالی مثبت همچون مدیا پلاس² و ابتکار (i2i)³ بانک سرمایه‌گذاری اروپا تا حمایت‌های منفی در شکل نظام سهمیه‌بندی⁴ و تدوین اصول مشخص برای مهار کمک دولت به بخش فیلم را در برمی‌گیرد.⁵

1. For the purpose of this paper, I will refer to the term 'European Union'. 'European Union' and 'EU' will be used interchangeably, depending on the context. The term 'Community' will be used only in connection with reference to the EC Treaty or EC law.

2. The MEDIA plus programme (2001-2005) aims at strengthening the competitiveness of the European audiovisual industry with a series of support measures dealing with the training of professionals, development of production projects, distribution and promotion of cinematographic works and audiovisual programmes.

3. The European Investment Bank's Innovation 2000 Initiative - Audiovisual offers the European film and audiovisual industry a range of financial products and budgetary aid instruments in four crucial areas: training, development, distribution and finance.

4. As provided by Articles 4 and 5 of the Television Without Frontiers Directive, cf. Council Directive 89/552/EEC of 3 October 1989 on the coordination of certain provisions laid down by Law, Regulation or Administrative Action concerning the pursuit of television broadcasting activities, OJ 1989 L 298/23, as amended by the European Parliament and Council Directive 97/36/EC of 30 June 1997, OJ 1997 L 202/60.

5. Announced by the Commission in the recent Communication on certain legal aspects relating to cinematographic and other audiovisual works, 26 September 2001, COM (2001) 534 final (Cinema Communication).

سیاست فیلم اتحادیه اروپا: بین هنر و تجارت ■ ۱۴۳

ارتقای فیلم‌های روایی در درون بخش سمعی و بصری اتحادیه اروپا اهمیت بسیاری دارد. دلیل این امر هم نقش بالقوه آثار سینمایی از نظر بهره‌برداری تجاری و اشتغال است. با وجود این، پرونده سینما در اتحادیه اروپا را نمی‌توان منحصرأ با دلایل اقتصادی تشریح کرد. سینما دربردارنده پیامی نمادین قوی است و بنابراین، تأثیر زیادی بر توسعه سایر وسایل ارتباطاتی دارد. سینما بیانگر نقش دیپلماتیک و سیاسی در عرصه ژئوپلتیک جهانی است. مشارکت در جشنواره‌های معتبر بین‌المللی و نامزد شدن برای دریافت جوایز فیلم موقعیت کشورها را در بازار بین‌المللی تقویت می‌کند و اعتماد به نفس آن‌ها را از نظر تأثیر فرهنگی بالا می‌برد. این عوامل افزایش توجه به بخش سینما در نهادهای اروپایی از جمله کمیسیون اروپا¹، پارلمان اروپا² و شورای اروپا³ در سال‌های اخیر را توضیح می‌دهد.

در عین حال، بخش فیلم به سبب الزامات شدید فرهنگی به آسانی خود را در معرض روندهای یکسان‌ساز که در فرایند ادغام اقتصادی ذاتی است، قرار نمی‌دهد. این ناسازگاری به روشنی در ارتباط مابین قوانین سینمای ملی، که در پی حفظ هویت‌های فرهنگی ملی است، و ارزش فلسفه اقتصاد آزاد، مشاهده می‌شود.

به عبارت دیگر، تناقضی مابین اقدامات ملی، که درصدد اصلاح عملکردهای بازار است، از یک سو و تلاش‌هایی که به منظور ایجاد یک بازار آزاد کالاها و خدمات سمعی و بصری در سطح اروپا انجام می‌شود از سوی دیگر وجود دارد. در ادامه به تضاد بین اتحادیه اروپا و کشورهای عضو، در نقش تقویت‌کنندگان تنوع فرهنگی، به عنوان بعد «عمودی» تناقض‌های قانونی در چارچوب سیاست فیلم اروپایی اشاره خواهد شد.

پس از امضای معاهده ماستریخت و با گنجاندن ماده 151 در معاهده جامعه اروپا، که

-
1. Commission, Cinema Communication.
 2. Resolution on achieving better circulation of European films in the internal market and the candidate countries, 2001/2342 (INI), adopted on 13 November.
 3. Council resolution on national aid to the film and audiovisual industries, 12 February 2001, OJ 2001 C 73/02, and Council resolution on the development of audiovisual sector, 21 January 2002, OJ 2002 C 32/04.

حمایت از ارزش‌های فرهنگی را به مثابه وظیفه‌ای قانونی تأیید می‌کند، وضعیت بیش از پیش پیچیده شده است. در نتیجه، سیاست بخش فیلم در سطح اروپایی با تناقض عمیق دیگری روبه‌رو می‌شود که عبارت است از تناقض مابین اهداف اقتصادی ادغام بازار و تعهد برای حفظ تنوع فرهنگی که هر دو در درون نظام حقوقی اتحادیه اروپا به رسمیت شناخته شده است که به مثابه بُعد «افقی» تناقض موجود در سیاست فیلم اتحادیه اروپا توضیح داده خواهد شد.

هدف این مقاله بررسی تنش‌ها در درون چارچوب قانونی اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن بر مبنای اسناد و رویه‌های سیاست‌گذاری کمیسیون اروپا است. برای دستیابی به تصویری جامع، در بخش دوم مقاله پس از مرور کوتاه تحول صلاحیت سمعی و بصری اتحادیه اروپا، تناقض‌های قانونی درون سیاست فیلم در سطح اروپا بررسی خواهد شد (جنبه افقی). در بخش سوم، تضاد مابین اقدامات سیاسی اتحادیه اروپا و حاکمیت ملی فرهنگی ارزیابی خواهد شد (جنبه عمودی). این رهیافت شناسایی ضعف‌های عمده موجود در سیاست سمعی و بصری کنونی اتحادیه اروپا را امکان‌پذیر خواهد کرد و نتایجی را (بخش چهارم) برای خلق سیاست فیلم پایدار در چارچوب اتحادیه اروپا در آینده میسر خواهد کرد.

سیاست فیلم اتحادیه اروپا: ادغام بازار در برابر ترویج تنوع فرهنگی

۱. بنیان‌های حقوقی صلاحیت اتحادیه اروپا در موضوع سمعی و بصری

سیاست سمعی و بصری اتحادیه اروپا تلاش دارد ماهیت دوگانه فرهنگی و صنعتی سینما را از راه بهبود قابلیت رقابتی با در نظر داشتن بُعد فرهنگی آن در هم آمیزد. ممکن است به نظر برسد که مسائل سمعی و بصری از موضوعیت چندانی در چارچوب اتحادیه اروپا برخوردار نیستند؛ هیچ ماده مشخصی در معاهدات اروپایی درباره سیاست سمعی و بصری وجود ندارد و تا زمان گنجاندن یک ماده کوچک (ماده 151) درباره فرهنگ به معاهده

سیاست فیلم اتحادیه اروپا: بین هنر و تجارت ■ ۱۴۵

جامعه اروپا، که در آنجا نیز مفهوم «بخش سمعی و بصری» در شکل تابعی و توضیحی ظاهر شده، در میان اختیارات اعطایی آشکار و صریح هیچ اختیار و قدرت قاطعی وجود ندارد. همچنین با معاهده قانون اساسی، که در فهرست بندی صلاحیت های اتحادیه اروپا فرهنگ را به مثابه «اقدام حمایتی» طبقه بندی کرده، در وضع موجود تغییری بروز نکرد.¹

با وجود این، بخش سمعی و بصری بسیار تحت تأثیر فرایند ادغام اروپایی قرار گرفت و به ظهور سیاست سمعی و بصری مستقل منجر شد. دلیل آن در ماهیت این بخش نهفته است. برداشت عمومی این است که آثار سمعی و بصری، به ویژه فیلم های روایی، تنها کالا نیستند، بلکه آثاری فکری و خلاقانه هستند که به سرمایه گذاری مالی نیازمندند. از آنجا که از نظر مجازی ترسیم خط تمایز مابین اقتصاد و فرهنگ ناممکن می نماید، قانون اتحادیه اروپا درباره کالاها و فعالیت های فرهنگی شامل فیلم و سایر آثار سمعی و بصری و نیز خدمات سینمایی و سمعی و بصری به طور کامل اعمال می شود. نکته دیگر که دیوان دادگستری اروپا مقررهای کلی تأیید کرده که معاهده جامعه اروپا بدون استثنا بر همه فعالیت های انتفاعی اعم از اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی اعمال می شود (Sweet & Maxwell, 1999: 78).

در نتیجه، به وجود آوردن بازار داخلی بخش سمعی و بصری را نیز دربر می گیرد.

در نتیجه، ادعا می شود که به اتحادیه اروپا، جدا از برخی عرصه های سیاست گذاری واقعی، تعدادی اختیارات عملکردی (Bruno de Witte, 1993: 229-299) اعطا شده که طبق اهدافی که باید به آن دست یابد تعریف می شود. از این میان، اختیار خلق بازار مشترک کالاها و خدمات سمعی و بصری و تضمین فعالیت روان آن در حوزه بحث این مقاله است. بنابراین، بعد فرهنگی حقوق اتحادیه اروپا، که آشکارا به بخش فیلم مرتبط است، قبل از هر چیز درباره آزادی های بازار مشترک برای فعالیت های فرهنگی است. با وجود این، اتحادیه اروپا اگر مایل به اقدامی در بخش سمعی و بصری باشد با مبنای حقوقی ناقص و غیرمستقیم در

1. Cf. Article III-181, CONV 850/03, Draft Treaty establishing a Constitution for Europe, available at <http://european-convention.eu.int/docs/Treaty/cv00850.en03.pdf>.

چارچوب‌های حقوقی خود (مثلاً مفاد بازار داخلی یا سیاست صنعتی) مواجه است که به بروز رهیافت‌گزینی در این عرصه می‌انجامد. معاهده ماستریخت برای سروکار داشتن با پدیده دوگانه بخش سمعی و بصری و به طور کلی مواجهه با توازن مابین عرصه اقتصادی و فرهنگی، منابع «قانون اساسی» ناقصی فراهم کرد. در نتیجه، امضای معاهده ماستریخت، مسئولیت اتحادیه اروپا را برای حفظ و ارتقای تنوع فرهنگی و زیبایی از راه قانون اساسی ترسیم کرده است. در عرصه عمل، افزودن ماده 151 نه تنها این تنش‌ها را رفع نکرده، بلکه از راه ارتقای تنوع فرهنگی به یکی از اهداف قانون اساسی اتحادیه اروپا، بدون توضیح اینکه ارزش‌های فرهنگی هنگام تضاد با سایر اهداف عملی اتحادیه همچون رشد اقتصادی و ادغام بازارها چگونه باید ملاحظه شود، وضعیت را پیچیده‌تر کرده است (Ibid: 292). گنجاندن مفاد فرهنگی در معاهده جامعه اروپا قادر نیست تنش مابین رهیافت بازار و رهیافت ارتقای تنوع فرهنگی در بخش سمعی و بصری را در نظام حقوقی اتحادیه اروپا برطرف کند.¹

ابهامات اقدام کمیسیون در سیاست فیلم

۱. اهداف سیاست‌گذاری از منظر اسناد رسمی کمیسیون

تنش حل‌نشده مابین تجارت و فرهنگ در چارچوب اتحادیه اروپا در ابتکارات کمیسیون اروپایی درباره بخش فیلم در اسناد سیاست‌گذاری منتشره به ویژه سند ابلاغیه سینمایی 2001 انعکاس یافته است. کمیسیون اروپایی در گزارش کار مقدماتی، که پیش از این ابلاغیه منتشر شد، هدف خود را چنین بیان کرده است:

آغاز بحث درباره تعدادی از مسائل مرتبط با بخش سمعی و بصری اروپا و به ویژه بزرگ‌نمایی جوانی از امر است که می‌تواند بر توسعه صنعت سینمایی رقابتی در اروپا تأثیرگذار باشد. این موضوع به ویژه با موانع موجود بر سر راه فراهم نمودن خدمات

1. Cf. Carole Tongue, 2001. "Television and Film production: Europe Fights Back", 13 European TV and Film Forum, Dublin, 8-10 November

سیاست فیلم اتحادیه اروپا: بین هنر و تجارت ■ ۱۴۷

فیلم‌سازی میان کشورهای عضو که مانع ارتقای تنوع فرهنگی می‌شود و این بخش را از بهره‌مندی کامل از مزایای بازار داخلی باز می‌دارد، مرتبط است.¹

این گزارش «تنوع فرهنگی در درون و میان کشورهای عضو» را هدف غایی سیاست سمعی و بصری اتحادیه اروپا در نظر می‌گیرد، موانع موجود بر سر راه توزیع آثار سمعی و بصری اروپایی و خدمات فیلم‌سازی میان کشورهای عضو را نیز موانع عمده دستیابی به چنین تنوعی می‌داند. همین‌طور کمیسیون در خود ابلاغیه سینما نیز تأکید کرده که «اهداف اصلی ابزارهای کلیدی اروپا که به طور مشخص در این حوزه ایجاد شده‌اند، دستورالعمل تلویزیون بدون مرز برای جنبه‌های تنظیمی، برنامه مدیا پلاس برای سازوکارهای حمایتی، اجازه به شرکت‌های اروپایی برای بهره‌مندی کامل از بازار واحد اروپایی است». در عین حال پذیرفته که ابتکارات حمایتی اروپا همچون ابتکار سمعی و بصری (i2i) و برنامه مدیا پلاس بر «اهداف صنعتی رقابتی همراه با ارتقای تنوع فرهنگی موجود در ارتقا و ساخت محتوای سمعی و بصری اروپا» معطوف است.² در جدیدترین ابلاغیه کمیسیون صریحاً اعلام کرده که هدف سیاست سمعی و بصری اتحادیه اروپا «کمک به بخش سمعی و بصری در اتحادیه به ویژه از راه تکمیل بازار داخلی، و در عین حال حمایت از اهداف برتر مورد علاقه عموم همچون تنوع فرهنگی و زبانی است ...».³

می‌توان مدعی شد که سیاست کمیسیون اروپا ترکیب دو هدف است: ایجاد بازار داخلی برای بخش سمعی و بصری از یک طرف و ارتقای تنوع فرهنگی از طرف دیگر. در عالم واقع، این اهداف ضرورتاً با یکدیگر سازگار نیستند. هدف نخست، یعنی تحقق بازار مشترک، هدف اقتصادی کلاسیکی است که دستیابی به آن از راه اقداماتی همچون اقتصاد مقیاس، استانداردسازی و هنجارسازی صنعتی امکان‌پذیر است که اغلب به همسان‌سازی

1. Commission Staff Working Paper on certain legal aspects relating to cinematographic and other audiovisual works, 11 April 2001, SEC (2001) 619.

2. Commission, Cinema Communication, at 18.

3. Communication from the Commission to the Council, the European Parliament, the European Economic and Social Committee and the Committee of the Regions on the Future of European Regulatory Audiovisual Policy, COM (2003) 784 final, at 3.

عرضه به بازار منجر می‌شود. این در حالی است که هدف دوم، یعنی ارتقای تنوع فرهنگی دارای ماهیت کیفی است که به کثرت‌گرایی عرضه و حفظ چندگانگی بیان‌ها شامل صداهای حاشیه‌ای جامعه معطوف است.^۱ به نظر می‌رسد کمیسیون اروپا در تدوین سیاست خود بُعد افقی تناقضات مابین علائق تجاری و فرهنگی درون بخش فیلم را مدنظر داشته است. به نظر می‌رسد موضع کمیسیون در گزارش‌های اخیر سینما تا حدودی با مفاهیمی که در اسناد سیاست عمومی قبلی به ویژه در ابلاغیه اصول و خطوط راهنمای سیاست سمعی و بصری جامعه اروپا در عصر دیجیتال ناسازگار است. در این ابلاغیه، کمیسیون آشکارا اعلام کرده که:

«منظور از حفظ تنوع فرهنگی اروپا ارتقای تولید و توزیع محتوای سمعی و بصری باکیفیت و بیانگر هویت‌های فرهنگی و زبانی اروپایی است. در واقع مخاطبان تلویزیون اروپایی دسترسی به محتوای سمعی و بصری به زبان خود که علائق فرهنگی‌شان را بیان کند، به شدت ترجیح خواهند داد: بر این اساس، چالش موجود این است که برنامه‌سازی‌هایی از این دست، که معمولاً گران‌تر از اقلام وارداتی است، استمرار یابد.»^۲

ملاحظه می‌شود که کمیسیون اروپا به خوبی از این واقعیت آگاه است که بازار مشترک برای محصولات و خدمات سمعی و بصری به طور خودکار کثرت‌گرایی فرهنگی درون بازار اروپا را تضمین نخواهد کرد. در نتیجه اتخاذ سیاست حمایت‌گرایانه در قبال تولید و توزیع محتوای سمعی و بصری باکیفیت برای دستیابی به اهداف تنوع فرهنگی ضروری است. در همین چارچوب، کمیسیون بارها اعلام کرده که هدف غایی سیاست سمعی و بصری اتحادیه اروپا ارتقای تنوع فرهنگی در داخل و میان کشورهای عضو است.^۳

1. Cf. Response of CICCE, EURO CINEMA, FIAD et al. to the Commission Staff Working Paper, Brussels, 11 July 2001, http://www.europa.eu.int/comm/avpolicy/regul/cine1_en.htm, at 6.

2. Communication: Principles and guidelines for the Community's audiovisual policy in the digital age, 14 December 1999, COM (1999) 657 final, at 11.

3. Communication: Audiovisual Policy. Next Steps, 14 July 1998, COM (1998) 446 final, at 2; see also the Commission Staff Working Paper, at 4.

سیاست فیلم اتحادیه اروپا: بین هنر و تجارت ■ ۱۴۹

در نتیجه، تجزیه و تحلیل اسناد سیاستگذاری کمیسیون عدم توازن رهیافت اتحادیه اروپا به سیاست فیلم را نشان می‌دهد و به‌رغم واژه‌پردازی‌هایی که در خصوص تنوع فرهنگی دارد، ادغام بازار این بخش را بدون توجه به ماهیت دوگانه فیلم‌ها مدنظر قرار داده است.

۲. ادامه ابهام در اقدام کمیسیون: ردیابی مبدأ

به‌رغم استفاده مکرر از مفهوم «تنوع فرهنگی» به نظر می‌رسد کمیسیون در عمل اهمیت بعد فرهنگی را دست‌کم گرفته است. در واقع این «فراموشی» عمومی یکی از ویژگی‌های ثابت رهیافت کمیسیون به بازار سمعی و بصری است.

نخست پرسش‌هایی درباره شیوه‌ها و ابزارهایی که جزییات آن در اسناد کمیسیون گنجانده نشده مطرح می‌شود که اجرای واقعی تنوع فرهنگی در عرصه سمعی و بصری را ممکن می‌سازد. سکوت کمیسیون درباره کار بر روی کثرت‌گرایی در بخش رسانه‌ها^۱ که از اواخر قرن نوزدهم به حال خود رها شده به روشنی دوگانگی‌اش را در خصوص فرهنگی نشان می‌دهد. این رکود، آشکارا، با هدف ارتقای مؤثر تنوع کمیسیون در تضاد است. با وجود این، این موضع در پرتو فقدان اراده سیاسی دولت‌های عضو برای تنظیم مسئله حساس کثرت‌گرایی رسانه‌ای یا ارتقای کارآمدتر تنوع فرهنگی کاملاً فهمیدنی است. در این چارچوب، ابتکارهای اخیر پارلمان اروپا که از کمیسیون می‌خواهد ریزنی‌هایی را در موضوع کثرت‌گرایی رسانه‌ای آغاز نماید^۲، یا در خصوص توزیع فیلم‌های اروپایی در بازار داخلی که خواستار

1. Cf. Green Paper on pluralism and media concentration in the internal market, 23 December 1992, COM (1992) 480 final; Communication on the follow-up to the consultation process relating to the Green Paper on 'Pluralism and media concentration in the internal market - an assessment of the need for Community action' COM (1994) 353. For an overview of the directive proposals see Alison Harcourt, "EU Media Ownership Regulation: Conflict Over The Definition Of Alternatives", 36(3) Journal of Common Market Studies (1998), 369-389; Gilian Doyle, "Regulation of Media Ownership and Pluralism in Europe: Can the European Union Take Us Forward?", 16 Cardozo Arts & Entertainment Law Journal (1998), 451-473.

2. European Parliament, Resolution on media concentration, P5_TA-PROV (2002) 0554, adopted on 20 November 2002.

«برنامه بلندپروازانه، کارآمد و منسجم چندساله به منظور رقابتی کردن صنعت فیلم اروپا و فراهم نمودن انتخاب کثرت‌گرایانه فیلم‌ها است»^۱ خیلی کنایه‌آمیز است.

ثانیاً، همان‌طور که نشان داده شد، به نظر می‌رسد کمیسیون درصدد اعمال مدل تحلیل اقتصادی کلاسیک بر بخش سمعی و بصری است که تا حدودی موضوعیت خلاقیت فرهنگی و هنری را نادیده می‌انگارد. استفاده از مدل بازاری در بسیاری از اسناد اخیر کمیسیون مشاهده می‌شود. برای ردیابی منشأ این رهیافت، باید به گزارش 1994 بنگمان (Bangemann) دربارهٔ جامعهٔ اطلاعاتی^۲ رجوع کرد که در آن کمیسیون مفهومی خودکار از تنوع فرهنگی را به تصویر می‌کشد و تأیید می‌کند تا زمانی که محصولات در دسترس مصرف‌کنندگان قرار دارد، فرصت‌های ابراز آزادانه تنوع فرهنگی و زبانی در داخل اروپا مضاعف خواهد بود. در متن گزارش بنگمان بیان شده است: «وقتی محصولات به آسانی در دسترس مصرف‌کنندگان باشد، فرصت‌های ابراز فرهنگ‌ها و زبان‌هایی متعددی که در اروپا وجود دارد بیشتر خواهد بود.» به نظر می‌رسد در مفهوم گردش آزاد اطلاعات، فضای کمتری برای مداخله اتحادیهٔ اروپا در بخش سمعی و بصری درون بازار داخلی باقی می‌ماند. در عوض، کمیسیون با اجازه دادن به کارکرد بازارهای آزاد و تحقق خودکار هدف تنوع فرهنگی خود را راضی خواهد کرد.

در حقیقت، اعمال رهیافت بازار سنتی در بخش سمعی و بصری مشکلات زیادی به بار می‌آورد. حتی از سوی خود کمیسیون اعلام شده که اقدام مقامات عمومی برای تضمین تنوع فرهنگی لازم است و این امر گزینه‌ای که موافق بازار آزاد ورای همه چیز است را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. چنین اقدامی برای تشویق تولید فیلم و در نتیجه حفظ کثرت‌گرایی عرضهٔ فرهنگی لازم است و در سطح اتحادیهٔ اروپا از راه ابزارهای حمایت مالی همچون برنامه

1. Resolution on achieving better circulation of European films in the internal market and the candidate countries.

2. High-Level Group [chairman, M. Bangemann], Europe and the Global Information Society: Recommendations to the European Council of 26 May 1994, Brussels, 1994, at 7.

سیاست فیلم اتحادیه اروپا: بین هنر و تجارت ■ ۱۵۱

رسانه‌ای یا طرح سمعی و بصری i2i (ای تو آی) و سازوکار سهمیه‌ای دستورالعمل تلویزیون بدون مرز^۱ اجرا می‌شود.

در نتیجه، اقدام ابتدایی کمیسیون در پرتو این واقعیت که تنوع فرهنگی را تحقق می‌بخشد فهمیدنی است، اما احترام به هدف بنیانی ادغام اقتصادی نیز موضوعیت دارد. باید گفت که این دو هدف تا حدودی آشتی‌ناپذیرند. به نظر می‌رسد این تناقض در نهادهای اروپایی^۲ نادیده گرفته شده و سیاست اتحادیه اروپا به روشنی مشخص نکرده که آیا نوعی سلسله مراتب یا روابط مابین این اهداف وجود دارد. همان‌طوری که گفته شد، مقررات کنونی و سازوکارهای حمایتی سعی در ترکیب این دو هدف دارند، اما غالباً اهداف فرهنگی و اقتصادی را با هم اشتباه می‌گیرند. بنابراین، به نظر می‌رسد که ابزارها و رهیافت سیاسی اتحادیه اروپا در این زمینه به طور ناقص با مشکلات مطرح در زمینه سینما یا به طور کلی مشکلات صنایع سمعی و بصری اروپا وفق داده شده است.

سیاست اتحادیه اروپا در مقابل حاکمیت فرهنگی ملی

تناقض ذاتی موجود در درون سیاست فیلم اروپا با تضاد عمیق قانونی میان اقدامات سیاستی اروپا در بخش سینما و ملاحظات سیاست فرهنگی ملی بیشتر تشدید شده است. این تنش به ویژه در عرصه رقابت محسوس است و به روشنی نشان می‌دهد که چگونه تقسیم عمودی قدرت درون اتحادیه اروپا مناقشه‌آمیز باقی مانده است. بحث بر سر ارتباط میان قانون رقابت اتحادیه اروپا و صلاحیت‌های فرهنگی ملی که در

1. Supra, n. 4, 5 and 6.

2. However, the European Parliament in its report on the Commission Cinema Communication has wondered whether the Treaty, when putting forward a purely cultural solution for exemption of cultural aid from the EU state aid regime, provides enough flexibility, which it deems necessary when dealing with the unavoidably dual nature of this sector, and criticised the Commission Communication for refusing to take the specific nature of the sector's industrial dimension into account, cf. Report on the Commission communication on certain legal aspects relating to cinematographic and other audiovisual works (COM (2001) 534 – C5-0078/2002 – 2002/2035(COS)), A5-0222/2002 final.

نظام فدرال ایالت‌های آلمان حقوق ویژه فرهنگی به آن‌ها واگذار شد، مطرح شد. به‌ویژه در عرصه سیاست فرهنگی و رسانه‌ای یعنی آخرین سنگرهای صلاحیت خالص آن‌ها دولت‌های عضو تلاش می‌کنند از مواضع خود در برابر اجرای همه‌جانبه قانون رقابت اتحادیه اروپا دفاع نمایند (Jürgen Schwarze, 2000: 779 - 800). بخش فیلم موردی ایده‌آل برای این ادعاست که قواعد رقابت اتحادیه اروپا و اجرای گسترده آن از سوی کمیسیون، که به ندرت اهمیت قانونی برای کشورهای عضو قائل می‌شود، وضعیت ویژه صنعت فیلم اروپا را به رسمیت کامل نمی‌شناسد و قضاوت منصفانه درباره آن ندارد.

۱. قانون کمک دولتی و سینما: اتحادیه اروپا در برابر صلاحیت ملی

اختلاف میان رویه رقابتی کمیسیون اروپا و خواسته کشورهای عضو برای حفظ سیاست‌های فرهنگی ملی آشکارا با مناقشه بر سر صلاحیت کمیسیون برای مهار برنامه‌های کمک به سینما که از سوی کشورهای عضو در سراسر اتحادیه اجرا شده، نشان داده شده است. در مجموع کمک دولتی با بازار مشترک اتحادیه اروپا ناسازگار است، زیرا تجارت میان کشورهای عضو را از راه حمایت از اقدامات یا محصولات خاص تحت تأثیر قرار می‌دهد و رقابت را منحرف کرده یا تهدید به انحراف می‌کند. اساساً کمک دولتی را قانون اتحادیه اروپا و به طور مشخص بند یک ماده 87 معاهده جامعه اروپا ممنوع کرده است.¹ با وجود این، با توجه به این واقعیت که فرهنگ در حال حاضر و به احتمال زیاد در آینده یکی از مسائل تحت صلاحیت دولت‌های عضو باقی خواهد ماند، می‌توان نتیجه گرفت که کمیسیون اروپا وسوسه شده تا از راه مهار سازگاری نظام‌های ملی تأمین مالی فیلم کشورهای عضو با مقررات کمک دولتی اتحادیه اروپا، قلمرو صلاحیت خود را گسترش دهد. (Schaefer others, 2002: 182 – 194)

1. Cf. in the context of audiovisuals Marianne Dony, "Les aides à l'audiovisuel à la lumière du Traité de Maastricht", in Carine Doutrelepont (ed.), L'actualité du droit de l'audiovisuel européen (Bruylant, Bruxelles, 1996).

سیاست فیلم اتحادیه اروپا: بین هنر و تجارت ■ ۱۵۳

از سوی دیگر، از آنجا که حفظ رقابت سالم از اهمیت بالایی در چشم‌انداز اساسنامه‌ای اتحادیه اروپا برخوردار است، نادیده گرفتن صلاحیت کمیسیون برای نظارت سازگاری برنامه‌های حمایت از فیلم با قانون کمک دولتی اتحادیه اروپا برخلاف اهداف و نظام قانونی عمل خواهد کرد. بنابراین، خارج کردن برخی فعالیت‌های فرهنگی خاص از قلمرو اعمال بند یک ماده 87 معاهده جامعه اروپا به طریق اولی ممکن به نظر نمی‌رسد.¹ هیچ استثنائی برای حمایت فرهنگی از مقررات فرهنگی از رقابت اتحادیه اروپا وجود ندارد (Greece v. Commission, 1995: 596-630). همان‌طور که قبلاً گفته شد، مقررات رقابت اتحادیه اروپا بدون استثناء بر تمام فعالیت‌های انتفاعی دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی اعمال می‌شود.² این امر را تعدادی از قضات دیوان دادگستری اروپا درباره کمک‌های فرهنگی تایید کرده،³ و تاکنون هیچ‌گونه اقدامی برای اعتراض به صلاحیت کمیسیون در این خصوص صورت نگرفته است. به علاوه، با گنجاندن شرط استثنائی ویژه در خصوص کمک فرهنگی در قسمت دال بند 3 ماده 87 پیمان ماستریخت، چنان‌چه این‌گونه کمک‌ها در چارچوب قلمرو معاهده نباشد، منطقی نخواهد بود (König & Kühling, 2000: 197-202).

به هر حال، این امر واقعیت دارد که کمیسیون اروپا دو وظیفه قانونی متضاد دارد: جدا از مسئولیت حفظ رقابت سالم (ماده 2 معاهده جامعه اروپا)، کمیسیون طبق ماده 151 متعهد به رعایت تنوع فرهنگی کشورهای عضو در همه اقدامات از جمله اجرای قانون رقابت شده است. این معاهده چگونگی ارتباط قانونی ماده 2 با ماده 151 یا دست‌کم سلسله مراتب اهداف متضاد این دو ماده را به هیچ وجه روشن نکرده است.

بر این اساس، این نکته روشن می‌شود که ماده 151 معاهده جامعه اروپا، که در پی توسعه فعالیت اتحادیه اروپا در عرصه فرهنگی و نیز تقسیم کار مناسب میان نقش کشورهای

1. Cf. Piet Jan Slot, "State Aids in the Cultural Sector", 40 *Europäisches Wirtschaftsrecht nach Maastricht* (10 January 1994).

2. Hancher, Ottervanger and Slot, *EC State Aids* ..., at 78.

3. cases T-49/93 *SIDE v. Commission*, [1995] ECR, II-2501 and T-155/98 *SIDE v. Commission*, ECR [2002], II-1179.

عضو و اتحادیه اروپا در عرصه فرهنگ است، تاکنون به ویژه در خصوص کمک به سینما به طور مناسب تحقق نیافته است. در نتیجه، ارتباط حاکمیت ملی فرهنگی و صلاحیت رقابتی در این عرصه حساس تا حد زیادی مناقشه‌آمیز مانده است.

۲. برنامه‌های کمک به فیلم

اخیراً، موضوعیت این منازعه در مناقشات ناشی از معیار تعیین شده کمیسیون برای مهار اعطای کمک دولتی به بخش سینما، که به طور رسمی در ابلاغیه اخیر سینمایی اعلام شده، نشان داده شده است.^۱ این ابلاغیه رویه تدریجی کمیسیون برای گذاشتن سقف موقتی درباره حمایت عمومی مجاز از تولید فیلم اتحادیه اروپا را نهایی کرده است. این بحث داغ در خصوص اثر محدودکننده احتمالی دستورالعمل‌های کمیسیون نشان می‌دهد که چگونه ملاحظات سیاسی مرتبط با تجارت و رقابت بر اولویت‌ها و اقدامات سنتی فرهنگ ملی، به شیوه‌ای فراتر از سیاست فرهنگی، تأثیر می‌گذارد.

امری که به خوبی بر این نکته دلالت دارد گزارش بعدی پارلمان اروپا درباره ابلاغیه کمیسیون است.^۲ در گزارش به روشنی اعلام شده هرگونه بررسی مجدد موضع کمیسیون در خصوص کنترل کمک دولتی به فیلم باید به افزایش انعطاف و نه اجرای سخت مقررات کمک دولتی اتحادیه اروپا و ملاحظه واقعی نیازهای فرهنگی و صنعتی بخش سینما و سمعی و بصری منجر شود. پارلمان به نوبه خود موضع کمیسیون را نادیده گرفتن ماهیت ویژه بعد صنعتی این بخش دانسته است. همچنین اعلام کرده که معاهده جامعه اروپا، هنگام ارائه راه‌حل فرهنگی برای کمک دولتی به فعالیت‌های فرهنگی، آن قدر که لازم است، برای برخورد با ماهیت «دوگانه» اجتناب‌ناپذیر این بخش انعطاف ندارد. پارلمان پیشنهاد کرد به دلیل اینکه صنعت سمعی و بصری اتحادیه اروپا با رقابت داخلی و خارجی فاصله زیادی

1. Commission, Cinema Communication.

2. European Parliament, Report on the Commission Communication on certain legal aspects relating to cinematographic and other audiovisual works.

سیاست فیلم اتحادیه اروپا: بین هنر و تجارت ■ ۱۵۵

دارد، باید دستورالعمل‌ها سهل‌تر شود. این استدلال، که بر مبنای وعده توجیه صنعتی برای سیاست‌های فیلم ملی استوار است، تضاد موجود درون چارچوب سیاسی اتحادیه اروپا را تشدید می‌کند.

روشن‌تر از همه اینکه معیار کمیسیون به شدت از سوی مسئولان صنعت فیلم اتحادیه اروپا انتقاد شده است. آن‌ها این مقررات را به مثابه دخالت در منافع کشورهای عضو به منظور حفظ ترتیباتشان برای حمایت از صنایع فیلم تلقی کرده‌اند. آن‌ها به این واقعیت اشاره کرده‌اند که وضعیت فیلم‌های ملی در داخل بازارهای خودشان بسیار شکننده است و رقابت موجود در بازارهای ملی در برابر سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مقایسه با رقابت با فیلم‌های غیراروپایی و به‌خصوص آمریکایی حاشیه‌ای است.^۱ در نتیجه، به‌رغم نگرانی‌ها کمیسیون در سال ۲۰۰۱ نتیجه رایزنی‌های گسترده با حرفه‌ای‌های سینمای کشورهای عضو و اتحادیه اروپا، با هرگونه تشدید بیشتر دستورالعمل‌ها مخالفت کرد. با توجه به چنین حمایت یکدستی از مقررات موجود، کمیسیون با اتخاذ تصمیمی ابلاغیه سال ۲۰۰۱ را تا ژوئن سال ۲۰۰۷ تمدید کرد و بدین ترتیب، معیار دستورالعمل‌ها را تا سه سال دیگر معتبر اعلام کرد.^۲

تصمیم کمیسیون به‌رغم تثبیت وضع موجود و پایه‌ریزی سازشی آشکار تصمیمی است موقتی که ممکن است در آینده به ویژه از جهت اثر برنامه‌های کمک بر عملکرد بازار مشترک در این معیار تجدیدنظر شود. بنابراین، معیار کمیسیون در خصوص کمک ملی به سینما با روشنی کامل بر تضاد عمودی قانونی اصرار می‌ورزد که سیاست اتحادیه اروپا و صلاحیت فرهنگی ملی در خصوص موضوعات مرتبط با فیلم حل‌نشده باقی مانده و می‌تواند بر

1. This seems to be a compromise position between the free competition proponents and the French position according to which European films do not compete with each other at all and thus the national film aids do not create any distortion of competition, the latter view appearing to be too far-fetched, cf. Centre National de Cinématographie, Rapport du groupe de travail sur le cinéma face au droit de la concurrence (Paris, January 2003).

2. Follow-up communication to the 2001 Cinema Communication, supra n. 18.

نتیجه‌گیری: به سمت سیاست فیلم پایدار اتحادیه اروپا

سیاست فیلم اتحادیه اروپا میان خلاقیت و بازار رشد کرده و به طور ذاتی مابین هنر و تجارت جا گرفته است. اقدام کمیسیون اروپا در عرصه فیلم میانجیگری مستمر میان نیروهای بازار آزاد و ارزش تنوع فرهنگی است. در نتیجه، این وضعیت منبع تنش‌های عمیقی است که در دو سطح افقی و عمودی بروز می‌کند.

در سطح افقی، کمیسیون تلاش می‌کند تا در سیاست خود، همزمان، ایجاد بازار مشترک برای فیلم‌ها و حفظ کثرت‌گرایی فرهنگی محتوای سمعی و بصری را، که به آسادگی آشتی‌پذیر به نظر نمی‌رسند، تعقیب کند. سازش و مصالحه ناشی از این رویکرد هیچ یک از طرفداران «استثناء کردن امور فرهنگی» و «طرفداران بازار آزاد» را راضی نمی‌کند. بسیاری تأیید دوگانه تنوع فرهنگی و تأثیر بیش از حد نیروهای بازار آزاد بر بخش فیلم را اولین انتقاد به چهره ناهماهنگ و حمایت‌گرایانه این سیاست یاد می‌کنند. مفاد معاهده و اسناد و رویه‌های اتحادیه اروپا، هیچ‌کدام، راهکار مناسبی برای توازن مؤثر اهداف ویژه فرهنگی و ادغام اقتصادی ارائه نمی‌کنند.

در خصوص جنبه‌های عمودی تضادهای درون سیاست سمعی و بصری اتحادیه اروپا می‌توان گفت که ویژگی چشم‌انداز تقسیم قدرت اتحادیه اروپا تضادی صلاحیتی میان سیاست رقابتی کمیسیون و حقوق ویژه فرهنگی ملی در عرصه سیاست فیلم است. نه ماده 151 معاهده جامعه اروپا و نه رویه‌های نهادی اتحادیه اروپا موفقیت‌چندانی، در تقسیم مناسب صلاحیت‌ها که بتواند عرصه فرهنگی را میان اتحادیه و کشورهای عضو متوازن کند، به دست نیآورده‌اند.

ارتباط ارزش‌های فرهنگی (در سطوح اروپایی و ملی) و اهداف اعلامی و اجرایی اتحادیه اروپا در خصوص بازار در چارچوب سیاست فیلم همچنان مناقشه‌آمیز باقی مانده و در

آینده نیز به احتمال زیاد مناقشه‌آمیزتر خواهد شد. با وجود این، به منظور روشن کردن اولویت‌ها و بنا نهادن مبنای روشن‌تر برای سیاست فیلم اتحادیه اروپا، می‌توان برخی توصیه‌های کلی را برای سیاستی پایدارتر در آینده در حوزه فیلم مطرح کرد.

با یادآوری این عبارت معروف آندره مالرو که «به هر حال سینما یک صنعت است»¹ می‌توان گفت که سینما در بالای همه محصولات فرهنگی قرار دارد و شیوه بیان و خلاقیتی فرهنگی است که نمی‌توان ابعاد آن را هنگام تدوین سیاست استراتژیک جهانی به نفع سینمای اروپا نادیده گرفت. اتحادیه اروپا نیز این امر را به خوبی دریافته و پذیرفته که بازار مشترک برای فیلم فی‌نفسه تضمین‌کننده کثرت‌گرایی محتوای فرهنگی نیست. به شرط اجرای اقدامات درست از سوی اتحادیه اروپا باید گفت که تدوین راه‌ها و شیوه‌هایی ضروری است که این سازمان فراملی را در اجرای مسئولیت قانونی‌اش برای حفظ و ارتقای تنوع فرهنگی توانمند کند. اگر این تعهد واقعاً جزو سی نظام قانونی اتحادیه اروپاست، عدم اقدام کمیسیون برای تحقق این هدف بنیادی به طور نظری به شکست هرگونه اقدام در دیوان دادگستری اروپا منجر می‌شود. بنابراین، منطقی به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپا تعریف دقیق‌تری از وظایف خود در عرصه فرهنگی به دست آورد تا اجرای بعدی آن‌ها را تسهیل کند.

به منظور جبران «کسری فرهنگی» در طرح‌های اتحادیه اروپا با هدف ادغام موفق فرهنگ‌های اروپایی تجدیدنظر در معاهده، برای گنجاندن مجموعه‌ای از ابزارهایی که در معاهده کنونی وجود ندارد، ضروری به نظر می‌رسد.

با تصدیق ویژگی دوگانه چنین سناریویی، در چارچوب موجود می‌توان پیشنهاد کرد که سیاست اتحادیه اروپا باید به طور کامل حامی تلاش‌های ملی برای ارتقاء تولیدات سمعی و بصری باشد، در عین حال که هماهنگی میان اهداف سیاست فرهنگی و سیاست رقابتی و نیز هماهنگی بیشتر اقدامات صورت گرفته در سطوح اروپایی، ملی و منطقه‌ای را دنبال می‌کند. چنین رهیافتی به طور کامل با اصول فرعی هماهنگ خواهد بود. ارتباط صلاحیت

1. Malraux, Esquisse d'une psychologie

دیوان دادگستری اروپایی با این موضوع^۱ و اعلام آن دیوان مبنی بر اینکه نگاه محدودی به سیاست‌های فرهنگی ملی نخواهد داشت، تحقق این اهداف را تسهیل می‌کند. به نظر می‌رسد کمیسیون تاکنون روش ملایمی نسبت به اجرای ماده ۸۷ معاهده جامعه اروپا دنبال کرده است.^۲ مقدمه دستورالعمل‌های ویژه برای نظارت کمک به سینمای ملی را باید تلاشی به منظور ارائه اطمینان حقوقی تا محدود کردن حمایت ملی مجاز از صنایع فیلم تفسیر کرد. کمیسیون اروپا با تعقیب این رهیافت مداراکننده در تصمیمات و اجرای برنامه‌های اتحادیه اروپا در این خصوص ممکن است به خوبی نگرانی‌های حامیان سیاست‌های ملی فرهنگی را برطرف کند و به طور واقعی به^۳ «شکوفایی فرهنگ‌های کشورهای عضو» کمک کند. با وجود این، از نقطه نظر قانونی در چشم‌انداز بلندمدت تعریف صریح صلاحیت‌های اتحادیه اروپا در عرصه سمعی و بصری توصیه‌شدنی به نظر می‌رسد.^۴ این امر نهادهای اتحادیه اروپا را از تصمیم‌گیری‌های گسترده با پیامدهای عمیق قانونی و به تبع آن دخالت در سیاست‌های فرهنگی ملی بر مبنای به نسبت مبهمی در خصوص علائق فرهنگی و مفاد نامرتبط آشکار معاهده، همچون اصول رقابت کلی، باز خواهد داشت. این شیوه مشکلات حقوقی عمودی در عرصه سیاست فیلم برطرف خواهد شد. به علاوه، روشن‌سازی اولویت‌ها درون سیاست سمعی و بصری (و فیلم) اتحادیه و برقراری سلسله مراتب روشن آن‌ها، به منظور تخفیف معمای غامض حقوقی در بعد افقی نیز به افزایش مشروعیت و کارآمدی منجر خواهد شد.

1. Cf. Cases C-288/89 Stichting Collectieve Antennevoorziening Gouda and others v. Commissariaat voor de Media, [1991] ECR, I-4007, C-353/89 Commission v. Netherlands, [1991] ECR I-4069 and C- 148/91 Veronica Omroep Organisatie v. Commissariaat voor de Media, [1993] ECR, I-487; as well as C-23/93 TV10 v. Commissariaat voor de Media, [1994] ECR I-4795 and C-6/98 ARD v. PRO Sieben Media AG, [1999] ECR I-7599, all concerning broadcasting.

2. Cf. numerous exemptions for the national film support schemes granted by the European Commission: e.g. Decision N 3/98 France; Decision NN 49/97 and N 357/99, Ireland; Decision N 782/2001 and N 701/2001, Germany; Decision N 698/2001, Spain.

3. Article 151 of the EC Treaty.

4. So Schwarze, "Medienfreiheit und Medienvielfalt ...", at 800.

منابع و مأخذ

- Centre National de Cinématographie, Rapport du groupe de travail sur le
- Bruno de Witte, "The Cultural Dimension of Community Law", in Collected Courses of the Academy of European Law, EUI Florence. (Martinus Nijhoff Publishers, The Hague, 1993), 229-299, at 272.
- cinéma face au droit de la concurrence, Paris, January 2003.
- De Witte Bruno, The Cultural Dimension of Community Law, in The Collected Courses of the Academy of European Law, EUI Florence, Martinus, Nijhoff Publishers, The Hague, 1993.
- Dony Marianne, Les aides à l'audiovisuel à la lumière du Traité de
- Maastricht, in Doutrelepon Carine (ed.), L'actualité du droit de l'audiovisuel européen, Bruylant, Bruxelles, 1996.
- Doyle Gilian, Regulation of Media Ownership and Pluralism in Europe: Can.
- "the European Union Take Us Forward?", 16 *Cardozo Arts & Entertainment Law Journal*, 1998.
- Hancher Leigh, Ottervanger Tom and Slot Piet Jan, *EC State Aids*, Sweet and Maxwell, London, 1999.
- Harcourt Alison, EU Media Ownership Regulation: Conflict Over the Definition of Alternatives, 36(3) *Journal of Common Market Studies*, 1998.
- Leigh Hancher, Tom Ottervanger and Piet Jan Slot, *EC State Aids* (Sweet and Maxwell, London 1999), at 78.

- König Christian and Kühling Jürgen, Mitgliedstaatliche *Kulturförderung und gemeinschaftliche Beihilfekontrolle durch die EG-Kommission*, 7 Europäische Zeitschrift für Wirtschaftsrecht, 2000.
- Malraux André, 1946. *Esquisse d'une psychologie du cinema*, Paris: Gallimard.
- Ress Georg, Die Zulässigkeit von Kulturbeihilfen in der Europäischen Union in Randelzhofer Albert, Scholz Rupert and Wilke Dieter (eds.).
- Gedächtnisschrift für Eberhard Grabitz, Beck, München, 1995.
- Schaefer Klaus, Kreile Johannes and Gerlach Sascha, Nationale Filmförderung: Einfluss und Grenzen des europäischen Rechts, 3 **Zeitschrift für Urheber- und Medienrecht**, 2002.
- Schwarze Jürgen, Medienfreiheit und Medienvielfalt im europäischen Gemeinschaftsrecht, 10 *Zeitschrift für Urheber- und Medienrecht*, 2000.
- Slot Piet Jan, State Aids in the Cultural Sector, 40 **Europäisches Wirtschaftsrecht nach Maastricht**, 10 January 1994.
- Tongue Carole, Television and Film production: Europe Fights Back, 13 th.
- European TV and Film Forum, Dublin, 8-10 November 2001.
- Jürgen Schwarze, "Medienfreiheit und Medienvielfalt im europäischen Gemeinschaftsrecht", 10 *Zeitschrift für Urheber- und Medienrecht*, 2000.
- Schaefer So Klaus, Kreile, Johannes and Gerlach, Sascha, 2002. "Nationale Filmförderung: Einfluss und Grenzen des europäischen Rechts", 3 **Zeitschrift für Urheber- und Medienrecht**.
- Ress Georg, "Die Zulässigkeit von Kulturbeihilfen in der Europäischen Union", 1995. In Albrecht Randelzhofer, Rupert Scholz and Dieter Wilke (eds.), Gedächtnisschrift für Eberhard Grabitz, Beck, München.
- König Christian and Kühling Jürgen, "Mitgliedstaatliche Kulturförderung und gemeinschaftliche Beihilfekontrolle durch die EG-Kommission", 7 **Europäische Zeitschrift für Wirtschaftsrecht**